

اثر بیمه صادراتی بر صادرات کشورهای منتخب

سعید راسخی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۳

امیر منصور طهرانچیان^۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۲

رزا عالمیان^۳

چکیده

بیمه صادراتی با کاهش و جبران ریسکهای بازرگانی، سیاسی و اقتصادی به تسهیل صادرات و رشد اقتصاد جهانی کمک می‌کند. البته دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص اثر بیمه صادراتی بر صادرات وجود دارد. علی‌رغم این موضوع و با توجه به اینکه بیمه صادراتی هزینه‌های صادرات کالا را افزایش می‌دهد، معنی‌داری اثر بیمه صادراتی بر صادرات جای تأمل دارد. در این راستا، پژوهش حاضر این فرضیه را آزمون می‌کند که بیمه صادراتی اثر مثبت و معنی‌دار بر صادرات دارد. بدین منظور از الگوی اقتصادسنجی داده‌های تابلویی برای ۴۰ کشور منتخب شامل ۲۰ کشور توسعه‌یافته و ۲۰ کشور در حال توسعه طی دوره زمانی سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ استفاده شده است. نتایج به دست آمده از الگوی داده‌های تابلویی نشان‌دهنده اثر مثبت و معنی‌دار بیمه صادراتی بر صادرات کشورهای منتخب است. بر این اساس توصیه می‌شود که سیاست‌گذاران و صادرکنندگان به بیمه صادراتی توجه ویژه داشته باشند.

واژگان کلیدی: بیمه صادراتی، صادرات، اعتبار، تأمین مالی صادرات، داده‌های تابلویی.

۱. استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)،

srasekhi@umz.ac.ir

۲. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، a.tehranchian@umz.ac.ir

۳. کارشناس ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران،

roza_alamian@yahoo.com

۱. مقدمه

امروزه صادرات به عنوان موتور رشد اقتصادی مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفته است (کازرونی و نصیب پرست، ۱۳۹۴). به اعتقاد ایمری^۱ (۱۹۶۷) و بالاسا^۲ (۱۹۷۸) رشد صادرات نقش قابل توجهی در تقاضای رشد اقتصادی دارد. صنایع صادراتی به دلیل حساسیتی که نسبت به فرصتهای علمی، اقتصادی، بازاری و فنی بین‌المللی دارند، موجب رشد بهره‌وری و تداوم بخش رقابت‌پذیری کل اقتصاد می‌شوند. همچنین صادرات از طریق ایجاد تقاضای اضافه در اقتصادهایی که توان عرضه‌شان در برخی صنایع قوی است، موجب رشد می‌شود (شاکری و مالکی، ۱۳۸۹). برای سیاستگذاری مؤثر جهت توسعه صادرات، باید عوامل تعیین‌کننده صادرات شناسایی شوند. صادرکنندگان برای اینکه بتوانند تعهدات صادراتی خود را به موقع و به نحو احسن انجام دهند، به بیمه صادراتی نیاز دارند (میرمحمدی، ۱۳۶۵). بیمه‌های صادراتی با حمایت از صادرکنندگان در برابر ریسکهای سیاسی و بازرگانی (عدم پرداخت خریدار، ورشکستگی، کلاهبرداری و تقلب)، همه انواع بازارها به‌ویژه بازارهای با ریسک بالا را تحت پوشش قرار می‌دهند. در ایران بیمه صادراتی توسط صندوق ضمانت صادرات ارائه می‌شود. نسبت کل پوشش صندوق به صادرات ایران در سال ۱۳۹۴، ۲۸/۰٪ بوده است.

اهمیت بیمه‌های صادراتی در بحرانهای مالی مانند بحران مالی سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بیشتر از پیش مورد توجه قرار گرفت. بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول^۳، حجم تجارت در طول دوره زمانی اکتبر ۲۰۰۸ تا ژانویه ۲۰۰۹، ۴ بار سریع‌تر از حجم تأمین مالی تجارت^۴ کاهش یافته بود. اگرچه حجم تجارت در این دوره زمانی

1. Emery

2. Balassa

۳. محاسبات پژوهشگران با استفاده از داده‌های سایت اتاق بازرگانی و صندوق صادرات ایران.

4. International Monetary Fund (IMF)

۵. بیمه صادراتی از انواع تأمین مالی تجارت است

به اندازه جریانهای تجاری واقعی کاهش نیافت، ولی در این بحران مالی، دسترسی به تأمین مالی مقرون به صرفه سخت و محدود شده بود (Chauffour and Farole, 2009). همچنین بر اساس مطالعه ویر^۱ (۲۰۱۵)، کاهش در عرضه بیمه صادراتی در طول بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹، ۵ تا ۹ درصد از کاهش صادرات دنیا و ۱۰ تا ۲۰ درصد از کاهش صادرات اروپا را توضیح می‌دهد.

با وجود اهمیت و لزوم تأکید بر اثر بیمه صادراتی بر توسعه صادرات، مطالعات انجام شده در این رابطه در ایران و در سطح بین‌المللی محدود است. لذا پژوهش حاضر به بررسی اثر بیمه صادراتی بر صادرات کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته پرداخته است. محدوده پژوهش حاضر شامل ۴۰ کشور منتخب^۲ (۲۰ کشور توسعه یافته و ۲۰ کشور در حال توسعه شامل ایران) طی دوره زمانی^۳ ۲۰۰۵-۲۰۱۳ است. انتخاب کشورها بر اساس حداکثر میزان پوشش بیمه صادراتی طی این دوره زمانی و شاخص توسعه انسانی صورت گرفته است. نوآوری پژوهش حاضر، بررسی اثر بیمه صادراتی بر صادرات به ویژه برای کشورهای منتخب در هر دو گروه توسعه یافته و در حال توسعه است. همچنین، با حفظ درجه آزادی الگو، تلاش شده است که الگوی پژوهش از جامعیت برخوردار باشد^۴ به گونه‌ای که در کنار سایر متغیرهای مؤثر، با پوشش مناسب دوره زمانی، از متغیر مجازی بحران مالی نیز استفاده شده است.

از مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان به بالتزپرگر و هرگر^۵ (۲۰۰۷)، کر و مانوا^۶ (۲۰۱۱)، استخر و همکاران (۱۳۸۸)، کرباسی و شیروانشاهی (۱۳۸۸)، رجبی و

1. Veer

۲. اسامی کشورها در پیوست آمده است.

۳. بر اساس حداکثر اطلاعات موجود

۴. از نکته نظرات داور محترم در این بخش قدردانی می‌شود.

5. Baltensperger and Herger

6. Chor and Manova

همکاران (۱۳۹۰)، آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۴) و اسماعیل پور و همکاران (۱۳۹۵) اشاره کرد. نتیجه کلی این مطالعات نشانگر اثر مثبت کاهش ریسک و افزایش یارانه بیمه بر صادرات است.

۲. مبانی نظری

فروش کالا و خدمات با ریسکهای بی شماری مواجه است که بخش اعظم آن در اختیار عرضه کننده قرار ندارد. همچنین، در فضای رقابتی اقتصاد، تشخیص و مدیریت ریسکها برای تجارت بسیار اهمیت دارد. ریسکهای تجاری و سیاسی می تواند اثر فاجعه باری بر بقای تولیدکننده داشته باشند. این ریسکها توسط بیمه های صادراتی (بیمه اعتباری صادرات) پوشش داده می شود (Jones, 2010). در واقع بیمه صادراتی با کاهش ریسک و تأمین نقدینگی از فرایند صادرات حمایت می کند (Chauffour and Farole, 2009).

صادرکنندگان به نوسانات بازار مالی بسیار آسیب پذیر هستند. از آنجایی که صادرات بسیاری از کشورها ممکن است پایین تر از سطح مؤثر خود باشد، بیمه گران با ارائه بیمه های صادراتی از صادرکنندگان حمایت می کنند (Felbermayn and Yalchin, 2013). همچنین دلایل زیر معاملات بین المللی بسیار بیشتر از معاملات داخلی تحت تأثیر نوسانات مالی قرار می گیرند:

۱- به دلیل حمل و نقل طولانی تر، صادرکنندگان برای پوشش هزینه های کالای تولید شده اما تحویل داده نشده به سرمایه در گردش بیشتری احتیاج دارند.

۲- صادرکنندگان (یا بانکهایشان) در مواجهه با ریسک اعتباری تجارت بین المللی منابع جبران کمتری دارند (Amiti and Weinstein, 2011).

برای اکثر معاملات بین المللی، تأمین مالی کوتاه مدت به دلیل تأخیر زمانی میان تولید و حمل و نقل کالا توسط صادرکننده و دریافت آن توسط واردکننده، امری ضروری است. زیرا به طور معمول، صادرکنندگان قبل از انجام حمل و نقل احتیاج به

پول دارند اما، واردکنندگان تمایل دارند تا در هنگام دریافت کالا پول را پرداخت کنند (Aubion and Engemann, 2014).

آبوین و انگمن (۲۰۱۴) معتقدند که تأمین مالی موتور حرکت تجارت است؛ زیرا توسعه تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری به قابل اطمینان بودن، کافی بودن و مقرون به صرفه بودن منابع مالی بستگی دارد. بیمه صادراتی با کاهش ریسکهای اعتباری، صادرکنندگان را قادر می‌سازد تا به طور قابل ملاحظه‌ای حجم معاملات و همچنین سود خود را افزایش دهند. همچنین، بیمه صادراتی به معاملات با ریسک بالا که صادرکنندگان تمایلی به ورود به این بازارها را ندارند، اجازه وقوع می‌دهد. در صورت عدم وجود بیمه صادراتی، به منظور اجتناب از تحمل خسارات ریسکهای اعتباری، صادرکنندگان ناگزیر به دریافت پیش‌پرداخت کامل از خریداران می‌شوند. هدف نهایی بیمه صادراتی صرفاً پرداخت خسارات حاصل از عدم پرداخت خریدار نیست، بلکه کمک به جلوگیری از خسارات فاجعه‌بار و رشد سودآوری کسب‌وکار بیمه‌گذار است (Jones, 2010). در نتیجه، بیمه صادراتی با تسهیل جریانهای تجارت بین‌المللی موجب افزایش ثبات و رشد اقتصادی می‌شود.

رینسترا-مونیکا و توروی^۱ (۲۰۰۲) مدلی ارائه کرده‌اند که در آن شرکت صادراتی با ریسک عدم پرداخت^۲ خریدار مواجه است اما این فرصت را دارد تا خودش را در برابر ریسک موردنظر بیمه کند. این مدل بر آن است تا تشخیص دهد که چگونه یک سطح بهینه از صادرات توسط ریسک عدم پرداخت و وجود یک طرح بیمه عمومی^۳ تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بر اساس این مدل، در صورتی که سهم بزرگی از حق بیمه به صورت یارانه پرداخت شود، صادرات افزایش خواهد یافت. البته وضعیت صادرکننده در رابطه با ریسک نیز مهم است، به طوری که با افزایش ریسک‌گریزی صادرکننده،

-
1. Rienstra-Munnicha and Turvey
 2. Default Risk
 3. General Insurance Scheme

۴. توسط بیمه‌گردولتی ارائه می‌شود.

صادرات بهینه کاهش می‌یابد. از این دیدگاه نیز افزایش سطح پوشش بیمه و یارانه بیمه‌ای اثر منفی ریسک‌گریزی بر صادرات را کاهش می‌دهد. در چارچوب مدل رینسترا-مونیکا و توروی، اگر ریسک‌گریزی نتیجه اطلاعات نامتقارن میان صادرکننده و واردکننده و یا ابهام درباره شرایط اقتصادی سیاسی کشور وارد کننده باشد، دولت ممکن است بتواند با افزایش دادن اطلاعات معتبر به صادرکننده، این ریسک را کاهش دهد، که خود صادرات بهینه را افزایش می‌دهد. نتایج اخیر با مطالعات فوناتسو^۱ (۱۹۸۶) و رافین^۲ (۱۹۷۴)، آندرسون و رایلی^۳ (۱۹۷۶)، و ایتون^۴ (۱۹۷۹) سازگار است.

بدیهی است معادله صادرات در کنار بیمه صادرات شامل متغیرهای مهم دیگری است که در این رابطه می‌توان به نرخ واقعی ارز، اندازه دولت، شاخص توسعه انسانی و شاخص سهولت کسب و کار بر صادرات اشاره کرد. کاهش ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز)، موجب کاهش قیمت کالاهای صادراتی بر حسب پول خارجی و افزایش درآمد صادرکننده بر حسب پول داخلی شده و انگیزه صادرکننده و ظرفیت صادرات را افزایش می‌دهد. البته تحقق این اثرگذاری منوط به عدم وجود فشار تورمی در کشور صادرکننده، حساسیت عرضه و تقاضای صادرات، عدم کاهش ارزش پول کشورهای رقیب و عدم وجود موانع تجاری در کشور واردکننده است (ناظمی، ۱۳۸۸).

در تحقیق حاضر از نرخ واقعی ارز استفاده شده است که برآیند اثر هر سه متغیر نرخ اسمی ارز، تورم داخلی و تورم خارجی است. درباره اثرگذاری اندازه دولت بر رشد اقتصادی و در نتیجه بر صادرات دو دیدگاه کلی وجود دارد. بر اساس دیدگاه اول، دولت در قالب وضع قوانین، ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌های لازم برای تولید را فراهم می‌کند. اما در چارچوب دیدگاه دوم، افزایش بیش از اندازه دولت و دخالت آن در اقتصاد می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه تولید کل

-
1. Funatsu
 2. Ruffin
 3. Anderson and Riley
 4. Eaton

اقتصاد، از طریق جانمایی جبری اثر منفی داشته باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹). رام^۱ (۱۹۸۶) معتقد است که فعالیتهای دولت از طریق آثار خارجی مثبت، تأثیر مثبتی بر تولید بخش خصوصی دارد؛ در حالی که گروسمن^۲ (۱۹۸۸) علاوه بر اثر مثبت، اثر منفی نیز برای اثر دولت بر رشد اقتصادی قایل شده است.

در خصوص شاخص توسعه انسانی، لوین و راوت^۳ (۱۹۹۷) با بحث روی سرمایه انسانی به عنوان موتور رشد، بر این باورند که بخش صادرات می تواند در مقایسه با سایر بخشهای اقتصادی، سرمایه انسانی را با کارایی بیشتر مورد استفاده قرار دهد.

کنیا^۴ (۲۰۰۶) بیان می کند که با افزایش سطح مهارت نیروی کار و فن آوری، بهره روی نیروی کار زیاد می شود. این امر موجب کاهش هزینه تمام شده هر واحد کالا شده و در نهایت به توسعه صادرات منجر می شود. تولید ناخالص داخلی از طریق نرخ رشد اقتصادی نیز می تواند بر میزان صادرات اثر بگذارد (کازرونی و نصیب پرست، ۱۳۹۴). البته باید توجه داشت که تولید و درآمد سرانه می تواند انعکاس دقیق تری از هر دو توان تولید ملی و همچنین، تقاضای مؤثر باشد. ارتقای امید به زندگی و بهداشت نیز باعث می شود که سرمایه انسانی از طریق انباشت سرمایه بهداشتی، افزایش یافته و به صورت مستقیم بر تولید و رشد اقتصادی تأثیر داشته باشد (Weil, 2006).

همچنین ارتقای شاخصهای بهداشتی در جامعه با کاهش مرگ و میر و افزایش امید به زندگی، افراد را به پس انداز بیشتر تشویق خواهد کرد. به دنبال افزایش پس انداز در جامعه، سرمایه گذاری افزایش یافته و این موضوع به افزایش تولید منجر خواهد شد (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۰).

-
1. Ram
 2. Grossman
 3. Levin and Raut
 4. Konya

وجود بسترهای مناسب برای فعالیت اقتصادی نیز در توسعه صادرات تعیین کننده است، به طوری که محیط کسب و کار سالم حاصل سلامت اقتصاد و سیاست درست کشورهاست که منجر به نتیجه‌های مثبت اقتصادی از قبیل صادرات، رشد اقتصادی و توسعه صنعتی می‌شود (طیبی و زمانی، ۱۳۹۲). همچنین، تأمین مالی مناسب و کم‌هزینه، وجود قوانین و مقررات صریح با هزینه اندک و ثبات اقتصادی و سیاسی برای رشد بنگاه‌ها از جمله بنگاه‌های صادراتی مؤثرند (طیبی و همکاران، ۱۳۹۵). در مجموع، مؤلفه‌های سهولت کسب و کار با کاهش قابل توجه هزینه‌های مبادله، می‌تواند در تحقق ظرفیتهای صادرات کشورها مؤثر باشد.

۳. برآورد و تصریح الگوی پژوهش

به منظور بررسی اثر بیمه صادراتی بر صادرات، الگوی عوامل مؤثر بر صادرات به صورت

$$X_{it} = \beta_1 + \beta_2 Ins_{it} + \beta_3 RER_{it} + \beta_4 GS_{it} + \beta_5 HDI_{it} + \beta_6 DB_{it} + \beta_7 Dcrisis + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

بیان می‌شود که در آن X_{it} ارزش صادرات برای کشور i در زمان t میزان پوشش بیمه صادراتی، RER_{it} نرخ واقعی ارز، GS_{it} اندازه دولت، HDI_{it} شاخص توسعه انسانی، DB_{it} شاخص سهولت کسب و کار و $DCrisis$ متغیر مجازی بحران است که برای سالهای بحران مالی (۲۰۰۸ و ۲۰۰۹) عدد ۱ و برای مابقی سالها عدد ۰ در نظر گرفته شده است. داده‌های مربوط به صادرات، نرخ اسمی ارز، شاخص قیمت مصرف‌کننده و اندازه دولت از بخش شاخصهای توسعه جهانی^۱ سایت بانک جهانی و داده‌های شاخص سهولت کسب و کار نیز از بخش کسب و کار^۲ بانک جهانی تهیه شده است. همچنین داده‌های حجم پوشش بیمه صادراتی از بخش بدهی خارجی مشترک سایت بانک جهانی و داده‌های شاخص توسعه انسانی از سایت برنامه توسعه سازمان ملل جمع‌آوری شده است.

به منظور محاسبه نرخ واقعی ارز در معادله (۱)، از رابطه

1. World Development Indicators (WDI)
2. Doing Business

$$RER_{it} = ER_{it} \times \frac{P_t^*}{P_{it}}$$

استفاده می‌شود، که در آن ER_{it} نرخ اسمی ارز کشور i در زمان t ، P_{it} شاخص قیمت مصرف‌کننده کشور i به سال پایه ۲۰۰۵ در سال t و P_t^* شاخص قیمت مصرف‌کننده کشور آمریکا به سال پایه ۲۰۰۵ در سال t است.

نتایج برآورد مدل تحقیق و آزمونهای مربوطه برای کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه به ترتیب در جدولهای ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج برآورد الگوی (۱) برای کشورهای منتخب توسعه‌یافته

متغیر وابسته: صادرات کشورهای منتخب توسعه‌یافته				
آزمونهای داده‌های تابلویی				متغیر مستقل
پی - مقدار	آماره F	انحراف معیار	ضریب	
۰/۰۰۱	-۳/۲۵	۲۹۷/۸۲	-۹۷۰/۰۳	عرض از مبدأ
۰	۱۶/۱	۰/۱۴	۲/۳	پوشش بیمه صادراتی
۰/۹۴	-۰/۰۶	۰/۱۱	-۰/۰۰۷	نرخ واقعی ارز
۰/۰۱	-۲/۵۲	۴/۴۲	-۱۱/۱۸	اندازه دولت
۰/۰۰۱	۳/۳۳	۳۸۸/۴۷	۱۲۹۴/۵۷	شاخص توسعه انسانی
۰/۰۴	۲/۰۵	۰/۹۵	۱/۹۷	شاخص سهولت کسب و کار
۰/۰۰۳	-۲/۹۴	۹/۱۹	-۲۷/۰۹	متغیر مجازی بحران مالی
ضریب تعیین (R^2) = ۰/۷۳، آماره $F = ۷۸/۸۷$ و پی - مقدار آماره $F = ۰$				
نتایج	پی - مقدار	آماره	آزمونها	
تأیید روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی در برابر داده‌های تلفیقی	۰	۶۱۹/۹۴	بروش - پاگان	
تأیید روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در برابر داده‌های تلفیقی	۰	۱۳۷/۲۶	چاو	
تأیید الگوی اثرات تصادفی در برابر اثرات ثابت	۰/۹۵	۱/۶۳	هاسمن	

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای 9 Eviews و 13 Stata

با توجه به یافته‌های جدول ۱، مقدار R^2 نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل به‌کارگرفته‌شده در الگو، ۷۳ درصد از تغییرات صادرات در کشورهای منتخب توسعه‌یافته را توضیح داده است. آماره F نیز گویای معنی‌داری الگوست. ضریب برآوردی متغیر پوشش بیمه صادراتی دارای علامت مثبت بوده و از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد، معنی‌دار است. به ازای ۱ میلیارد دلار تغییر در پوشش بیمه صادراتی، متغیر صادرات به میزان $2/3$ میلیارد دلار^۱ در همان جهت تغییر می‌کند. بدین ترتیب، با ثبات سایر شرایط، در کشورهای توسعه‌یافته افزایش پوشش بیمه صادراتی منجر به توسعه صادرات می‌شود. در بخش مبانی نظری نیز به‌خوبی تفسیر شد که صادرکنندگان تحت وجود بیمه صادراتی، به دلیل اطمینان از پرداخت، تمایل به صادرات بیشتری دارند. در مطالعات تجربی پیشین، رینسترا- مونیکا و توری (۲۰۰۲) و بالتزپرگر و هرگر (۲۰۰۷) نیز به نتیجه‌ای مشابه با نتیجه مطالعه حاضر دست یافتند.

ضریب برآوردی متغیر نرخ واقعی ارز از نظر آماری معنی‌دار نیست. در نتیجه متغیر نرخ واقعی ارز رابطه معنی‌داری با صادرات نخواهد داشت. علت معنی‌دار نبودن اثر متغیر نرخ ارز بر صادرات را می‌توان تفاوت ساختار بازارها و منبع تأمین نهاده‌ها در کشورهای مختلف دانست. با توجه به مطالعات کازرونی و نصیب‌پرست (۱۳۹۴)، نوع اثر نرخ ارز بر میزان صادرات تحت تأثیر نوع بازار و منبع تأمین نهاده‌ای تولید است. در نتیجه بی‌اهمیت تلقی شدن این متغیر در میزان صادرات در مطالعات بین‌المللی دور از انتظار نیست. کازرونی و نصیب‌پرست (۱۳۹۴) در مطالعه تجربی خود نیز به این نتیجه دست یافتند.

ضریب برآوردی متغیر اندازه دولت دارای علامت منفی بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است، به گونه‌ای که به ازای ۱ درصد تغییر در متغیر اندازه دولت^۲،

۱. در این پژوهش از واحد ارز بر حسب دلار ایالات متحده آمریکا در نظر گرفته شده است.

۲. متغیر اندازه دولت در نرم‌افزار به صورت درصد (ضرب در صد) وارد شده است.

متغیر صادرات به میزان ۱۱/۱۸ میلیارد دلار در خلاف جهت تغییر می‌کند. افزایش اندازه دولت موجب کاهش سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی، تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی می‌شود که پژوهشهای تجربی زیادی مانند حیدری و همکاران (۱۳۸۹)، داواراجان^۱ و همکاران (۱۹۹۶)، دار و خلخالی^۲ (۲۰۰۲)، آلفونسو و فورسوی^۳ (۲۰۰۸) و ... به این نتیجه دست یافتند. همچنین کلاسیکها نیز معتقدند که دخالت دولت موجب کاهش کارایی بازار آزاد، عدم تخصیص بهینه منابع و کاهش تولید می‌شود. از آنجایی که تولید ناخالص داخلی اثر مثبت بر صادرات دارد و توان صادراتی کشور، وابسته به تولید ناخالص داخلی است، در نتیجه می‌توان استنباط کرد که اثر اندازه دولت بر صادرات منفی می‌شود.

ضریب برآوردی متغیر شاخص توسعه انسانی دارای علامت مثبت بوده و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار است. با ۰/۰۱ واحد تغییر در شاخص توسعه انسانی، متغیر صادرات به میزان ۱۲/۹۴ میلیارد دلار در همان جهت تغییر می‌کند. با افزایش سطح مهارت نیروی کار، بهره‌وری نیروی کار زیاد می‌شود و این امر منجر به کاهش هزینه تمام‌شده کالا شده و در نهایت منجر به افزایش صادرات می‌شود (کنیا، ۲۰۰۶؛ پورعبدالهان کوچی و همکاران، ۱۳۹۱). با بیان این مطلب ضریب مثبت و معنی‌دار شاخص توسعه انسانی بر صادرات منطقی به نظر می‌رسد.

ضریب متغیر شاخص سهولت کسب‌وکار دارای علامت مثبت بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است. با ۰/۰۱ واحد تغییر در شاخص سهولت کسب‌وکار، متغیر صادرات به میزان ۱/۹۷ میلیارد دلار در همان جهت تغییر می‌کند. هرچه شرایط کسب‌وکار بهتر باشد، نتایج مثبت اقتصادی مانند صادرات، رشد اقتصادی و توسعه صنعتی نیز بیشتر می‌شود (طیبی و زمانی، ۱۳۹۲).

-
1. Devarajan
 2. Dar and Khalkhali
 3. Alfonso and Furceri

ضریب برآوردی متغیر مجازی بحران مالی دارای علامت منفی بوده و در سطح اطمینان ۹۹ درصد، معنی دار است. بدین معنی که در صورت وجود بحران مالی، متغیر صادرات به میزان ۲۷/۰۹ میلیارد دلار آمریکا کاهش پیدا می‌کند. با توجه به رکودی که طی دوره بحران مالی در بیمه صادراتی به وجود آمده و اثر مثبت بیمه صادراتی بر صادرات، احتمالاً بخش قابل توجهی از رکود صادرات از جانب رکود پوشش بیمه صادراتی بوده است.

جدول ۲. نتایج برآورد الگوی (۱) برای کشورهای منتخب در حال توسعه

متغیر وابسته: صادرات کشورهای منتخب در حال توسعه				
آزمونهای داده‌های تابلویی				متغیر مستقل
پی-مقدار	آماره F	انحراف معیار	ضریب	
۰	۰/۳۹-	۳۱۰/۱۲	-۱۶۷۴/۳۴	عرض از مبدأ
۰/۰۰۸	۲/۶۸	۰/۴۲	۱/۱۳	پوشش بیمه صادراتی
۰/۲۶	-۱/۱	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	نرخ واقعی ارز
۰/۰۱	-۲/۵۸	۶/۴۸	-۱۶/۷۶	اندازه دولت
۰	۵/۴۶	۵۱۶/۰۹	۲۸۲۱/۳۴	شاخص توسعه انسانی
۰/۷۳	-۰/۳۳	۱/۰۸	-۰/۳۶	شاخص سهولت کسب و کار
۰/۴۱	-۰/۸۲	۱۷/۹۱	-۱۴/۷	متغیر مجازی بحران مالی
ضریب تعیین (R^2) = ۰/۹۱، آماره $F = ۶۳/۷۱$ و پی-مقدار آماره $F = ۰$				
نتایج	پی-مقدار	آماره	آزمونها	
تأیید روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی در برابر داده‌های تلفیقی	۰	۳۲۹	بروش-پاگان	
تأیید روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در برابر داده‌های تلفیقی	۰	۳۳/۸۶	چاو	
تأیید الگو اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی	۰/۰۰۲	۲۰/۳۳	هاسمن	

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای 9 Eviews و 13 Stata

با توجه به یافته‌های جدول ۲، مقدار R^2 نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل به‌کارگرفته‌شده در الگو، ۹۱ درصد از تغییرات صادرات در کشورهای منتخب

در حال توسعه را توضیح داده است. آماره F نیز گویای معنی داری الگوست. همانند کشورهای توسعه یافته، در کشورهای در حال توسعه نیز ضریب برآوردی متغیر پوشش بیمه صادراتی دارای علامت مثبت بوده و از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. به ازای ۱ میلیارد دلار تغییر در پوشش بیمه صادراتی، متغیر صادرات به میزان ۱/۱۳ میلیارد دلار در همان جهت تغییر می کند. بدین ترتیب، با ثبات سایر شرایط، در کشورهای در حال توسعه افزایش پوشش بیمه صادراتی منجر به توسعه صادرات می شود.

در مطالعات تجربی پیشین داخلی^۱، استخر و همکاران (۱۳۸۸)، رجبی و همکاران (۱۳۹۰)، آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۴) و اسماعیل پور و همکاران (۱۳۹۵) به نتیجه ای تقریباً مشابه با نتیجه پژوهش حاضر دست یافتند. البته ضریب برآوردی متغیر بیمه صادراتی در کشورهای در حال توسعه از کشورهای توسعه یافته کمتر است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که اثر بیمه صادراتی بر صادرات در کشورهای توسعه یافته بیشتر از کشورهای در حال توسعه است.

ضریب برآوردی متغیر نرخ واقعی ارز از نظر آماری معنی دار نیست، در نتیجه متغیر نرخ واقعی ارز رابطه معنی داری با صادرات نخواهد داشت. همانند آنچه در بخش قبلی بیان شد، علت معنی دار نبودن اثر متغیر نرخ ارز بر صادرات می تواند ناشی از تفاوت ساختار بازارها و منبع تأمین نهاده ها در کشورهای مختلف باشد. در نتیجه بی اهمیت تلقی شدن این متغیر در میزان صادرات در مطالعات بین المللی دور از انتظار نیست.

ضریب برآوردی متغیر اندازه دولت دارای علامت منفی بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی دار نیست. به گونه ای که به ازای ۱ درصد تغییر در متغیر اندازه

۱. ایشان پژوهشهای خود را برای ایران انجام دادند. از این جهت که ایران یکی از کشورهای در حال توسعه نمونه مورد بررسی پژوهش حاضر است، می توان نتیجه این پژوهشها را مشابه با نتیجه برآورد کشورهای در حال توسعه دانست.

دولت^۱، متغیر صادرات به میزان ۱۶/۷۶ میلیارد دلار در خلاف جهت تغییر می‌کند. در نتیجه در کشورهای در حال توسعه نیز همانند کشورهای توسعه یافته با ثبات سایر شرایط، با افزایش اندازه دولت، صادرات در این کشورها کاهش پیدا می‌کند.

ضریب برآوردی متغیر شاخص توسعه انسانی دارای علامت مثبت بوده و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است و با ۰/۰۱ واحد تغییر در شاخص توسعه انسانی، متغیر صادرات به میزان ۲۸/۲۱ میلیارد دلار در همان جهت تغییر می‌کند. از آنجایی که این شاخص، رتبه بندی کشورها از جهت توسعه منابع انسانی است و رشد صادرات نیز وابسته به بهره‌وری نیروی کار است، می‌توان انتظار داشت که با افزایش این شاخص صادرات کشور نیز افزایش یابد.

ضریب شاخص سهولت کسب و کار برای کشورهای در حال توسعه معنی دار به دست نیامده است. با توجه به بی‌ثباتیهای سیاسی و اقتصادی در اغلب کشورهای در حال توسعه و عدم برخورداری کافی از نظام و چارچوب قانونمند در کسب و کار خود، معنی دار نبودن این متغیر در کشورهای در حال توسعه دور از انتظار نیست.

ضریب برآوردی متغیر مجازی بحران مالی معنی دار به دست نیامده است. بدین معنی که در کشورهای در حال توسعه، بحران مالی جهانی اثر چندانی بر رکود صادرات نمی‌گذارد.

۴. خلاصه و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثر بیمه صادراتی بر صادرات کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه است. بدین منظور، با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی، عوامل مؤثر بر صادرات طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۳ برای ۴۰ کشور منتخب شامل ایران برآورد شده است.

۱. متغیر اندازه دولت در نرم افزار به صورت درصد (ضرب در صد) وارد شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده، فرضیه اثر مثبت و معنی دار بیمه صادراتی بر صادرات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد تأیید قرار گرفته است. در نتیجه به نظر می‌رسد که با فرض ثبات سایر شرایط افزایش پوشش بیمه صادراتی، موجب توسعه صادرات می‌شود. همان‌گونه که در بخش مبانی نظری پژوهش حاضر نیز مطرح شد، صادرکنندگان تمایل دارند تا خود را از ریسکهای اعتباری صادرات بر حذر دارند. بدین منظور با خرید پوشش بیمه صادراتی، می‌توانند خود را در برابر ریسکهای ذکر شده بیمه کنند و با اطمینان خاطر در بازارهای ریسکی صادرات انجام دهند. این امر منجر به توسعه صادرات می‌شود که با برآورد الگوی (۱)، نتایج حاصل نشان داد بیمه صادراتی بر صادرات اثر مثبت و از نظر آماری معنی دار دارد. اثر بحران مالی بر صادرات کشورهای توسعه یافته، منفی و معنی دار و برای کشورهای در حال توسعه بی‌معنی به دست آمده است. اثر اندازه دولت نیز بر صادرات، منفی به دست آمده است. یعنی دولت نتوانسته است در زمینه صادرات کارفرمای خوبی باشد. اما اثر شاخص توسعه انسانی بر صادرات مثبت و معنی دار به دست آمده است. اثر ضریب برآوردی شاخص سهولت کسب و کار بر صادرات کشورهای توسعه یافته مثبت و معنی دار شده است، اما برای کشورهای در حال توسعه معنی دار به دست نیامده است. اثر ضریب برآوردی نرخ واقعی ارز بر صادرات معنی دار به دست نیامده است. این‌طور به نظر می‌رسد که متغیر نرخ واقعی ارز در کنار متغیرهای اثرگذار دیگر بر صادرات اهمیت خود را از دست داده و شاید به جای اثر مستقیم بر صادرات، اثر کمکی و فرعی داشته باشد.

با توجه به اثر مثبت و معنی دار بیمه صادراتی بر صادرات، توجه به توسعه بیمه صادراتی ضروری به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است در ایران، صدور بیمه‌های صادراتی محدود به صندوق ضمانت صادرات ایران است و سهم پوشش صادرات توسط این صندوق نیز نسبتاً پایین است. بنابراین، لازم است پوشش بیمه‌ای صادرات این صندوق افزایش یابد. بدین منظور توصیه می‌شود، صندوق از طریق گسترش

روابط بین‌المللی (به‌ویژه با کشورهای واردکننده) شرایط پوشش را ارتقاء دهد. زیرا از این طریق، با تخصیص خطوط اعتباری، هم روند صادرات تسهیل می‌شود و هم ارتباط بازرگانی با شرکای تجاری افزایش می‌یابد. همچنین هم صادرکننده و هم واردکننده قادر خواهند بود تا از خدمات ارزی و دیگر خدمات مالی بهره‌مند شوند که این امر موجب افزایش مطلوبیت بیمه‌نامه برای طرفین صادرات می‌شود. همچنین مزیت دیگر گسترش روابط بین‌المللی، تسهیل بیشتر پوشش‌های بیمه اتکایی در بیمه‌های صادراتی خواهد بود. در این رابطه به سیاست‌گذاران کلان کشور نیز توصیه می‌شود تا با سعی در افزایش ثبات اقتصادی و سیاسی، ریسک کشوری را پایین بیاورند.^۱ همچنین، پیشنهاد می‌شود امکان‌سنجی ارائه پوشش بیمه‌های صادراتی توسط دیگر شرکت‌های بزرگ بیمه‌ای کشور مورد توجه قرار گیرد تا از این طریق، پوشش بیمه صادرات از انحصار خارج شده و رقابتی شود. این امر باعث بهبود شرایط بیمه‌نامه و تمایل بیشتر صادرکننده به خرید پوشش بیمه صادراتی می‌شود.

منابع

۱. آذربایجانی، ک.، سرخوش آرا، ع. و اسماعیل‌پور، ع.، ۱۳۹۴. تحلیل تأثیر یارانه بیمه صادراتی بر صادرات غیر نفتی. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۳۹.
۲. استخر، م.، زیبایی، م. و طرازکار، م.ح.، ۱۳۸۸. ارزیابی تأثیر یارانه بیمه صادراتی بر صادرات محصولات کشاورزی. اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۸۵-۲۰۲.
۳. اسماعیل‌پور، ع.، اسدزاده، ا.، شکری، م. و ذوالقدر، ح.، ۱۳۹۵. تحلیل تأثیر یارانه بیمه صادراتی بر صادرات غیرنفتی با استفاده از رگرسیون فازی. فصلنامه پژوهش‌های رشد توسعه اقتصادی، آماده انتشار.

۱. ریسک کشوری ایران در سال ۲۰۱۷ به گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، رده ۶ اعلام شده است. طبقه‌بندی از کم‌ریسک‌ترین به پرریسک‌ترین عدد ۱ تا ۷ است.

۴. بهبودی، د.، باستان، ف. و فشاری، م.، ۱۳۹۰. بررسی رابطه بین مخارج بهداشتی سرانه و درآمد سرانه در کشورهای با درآمد پایین و متوسط (رهیافت علّیت در داده‌های تابلویی). فصلنامه علمی-پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۱۵، شماره ۵، صص ۸۱-۹۶.
۵. پورعبدالهان کویچ، م.، اصغرپور، ح.، فلاحی، ف. و عبدی، ح.، ۱۳۹۰. اثر انباشت سرمایه انسانی روی صادرات صنعتی استانهای کشور. دوفصلنامه اقتصاد پولی مالی، دوره ۱۹، شماره ۳.
۶. حیدری، ح.، پروین، س. و فاضلی، م.، ۱۳۸۹. رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسیهای اقتصادی سابق)، دوره ۷، شماره ۳، صص ۴۳-۶۶.
۷. رجبی، م.، رنجبر، ه. و اصلانی، ه.، ۱۳۹۰. تحلیل تأثیر یارانه‌های صادراتی بر صادرات غیرنفتی ایران. ماهنامه بررسیهای بازرگانی، ۴۷، صص ۳-۱۶.
۸. شاکری، ع. و مالکی، ا.، ۱۳۸۹. آزمون رابطه رشد صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی در ایران (با استفاده از داده‌های فصلی و به تفکیک کدهای دورقمی ISIC). فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، ۵۶، صص ۵-۲۶.
۹. طیبی، س.ک.، مؤمنی، ن. و زمانی، ز.، ۱۳۹۵. اثر بهبود محیط کسب و کار بر صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای منتخب. چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
۱۰. طیبی، س.ک. و زمانی، ز.، ۱۳۹۲. اشتغال‌زایی بهبود کسب‌وکار در بنگاه‌های کوچک و متوسط و تجربه کشورهای آسیایی منتخب. اولین همایش توسعه پایدار با رویکرد بهبود محیط کسب‌وکار، صص ۱-۲۷.
۱۱. کرباسی، ع. و حسنی شیروان‌شاهی، ب.، ۱۳۸۸. بررسی ارتباط بین صادرات، درجه و ضمانت اعتبارات صادراتی. پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۲۳۹-۲۶۱.

۱۲. کازرونی، ع.ر. و نصیب‌پرست، س.، ۱۳۹۴. عوامل تعیین‌کننده صادرات در کشورهای درحال توسعه: رویکرد اقتصادسنجی بیزینی. فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، ۴، صص ۳۵-۶۳.

۱۳. میرمحمدی، م.، ۱۳۶۵. نقش بیمه‌های صادراتی و اهمیت آن در توسعه صادرات. انتشارات واحد فوق‌برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.

۱۴. ناظمی، ف.، ۱۳۸۸. بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی. فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۱۱۵-۱۱۷.

15. Alfonso, A. and Furceri, D., 2008. Government size composition volatility and economic growth. *Working paper series*, 849.

16. Amiti, M. and Weinstein, D.E., 2011. Exports and financial shocks. *The Quarterly Journal of Economics*, 126(4), pp. 1841-1877.

17. Anderson, J.E. and Riley, J.G., 1976. International trade with fluctuating prices. *International Economic Review*, 17(1), pp. 76-97.

18. Auboin, M. and Engemann, M., 2014. Testing the trade credit and trade link: evidence from data on export credit insurance. *Review of World Economics*, 150(4), pp.715-743.

19. Balassa, B., 1978. Exports and economic growth: Further evidence. *Journal of development Economics*, 5(2), pp. 181-189.

20. Baltensperger, E. and Herger, N., 2007. Exporting against risk? Theory and evidence from public export insurance schemes in OECD countries. *Open Economies Review*, 20(4), pp. 545-563.

21. Chauffour, J.P. and Farole, T., 2009. Trade finance in crisis: market adjustment or market failure? *World Bank Policy Research Working Paper Series*, 5003 .

22. Chor, D. and Manova, K., 2012. Off the cliff and back? Credit conditions and international trade during the global financial crisis. *Journal of International Economics*, 87(1), pp. 117-133.

23. Dar, A. and Khalkhali, S.A., 2002. Government size, factor accumulation, and economic growth: Evidence from OECD countries. *Journal of Policy Modeling*, 24, pp. 679-692.

24. Devarajan, S., Swaroop, V. and Zou, H., 1996. The composition of public expenditure and economic growth. *Journal of Monetary Economics*, 37, pp. 313-344.
25. Eaton, J., 1979. The allocation resources in an open economy with uncertain terms of trade. *International Economic Review*, 20(1), pp. 391-403.
26. Emery, R.F., 1967. The relation of exports & economic growth. *Kyklos*, 20(4), pp. 470-486.
27. Felbermayr, G.J. and Yalcin, E., 2013. Export credit guarantees and export performance: An empirical analysis for Germany. *The World Economy*, 36(8), pp. 967-999.
28. Funatsu, H., 1986. Export Credit Insurance. *Journal of Risk and Insurance*, 53(4), pp. 680-692.
29. Grossman, P.J., 1988. Government and economic growth: a nonlinear relationship. *Public Choice*, 56(2), pp. 193-200.
30. Jones, P.M., 2010. Trade credit insurance. *Primer Series on Insurance*, 15.
31. Konya, L., 2006. Exports and growth: Granger causality analysis on OECD countries with a panel data approach. *Economic Modeling*, 23(6), pp. 978-992.
32. Levin, A. and Raut, L., 1997. Complementarities between exports and human capital in economic growth: evidence from the semi-industrialized countries. *Economic Development and Cultural Change*, 46(1), pp. 155-174.
33. Ram, R., 1986. Government size and economic growth: A new framework and some evidence from cross-section and time-series data. *The American Economic Review*, 76(1), pp. 191-203.
34. Rienstra-Munnicha, P. and Turvey, C.G., 2002. The relationship between exports, credit risk and credit guarantees. *Canadian Journal of Agricultural Economics*, 50(3), pp. 281-296.
35. Ruffin, R.J., 1974. International trade under uncertainty. *Journal of International Economics*, 4, pp. 243-259.
36. Veer, K.J., 2015. The private export credit insurance effect on trade. *Journal of Risk and Insurance*, 82(3), pp. 601-624.
37. Weil, D.H., 2006. Accounting for the effect of health on economic growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 122, pp. 1265-1306.

پیوست:

کشورهای منتخب پژوهش حاضر شامل کشورهای زیر هستند:

توسعه یافته: آمریکا - ایتالیا - آلمان - انگلستان - فرانسه - روسیه - اسپانیا - هلند - سوئیس - کره جنوبی - بلژیک - لهستان - کانادا - اتریش - ژاپن - سنگاپور - استرالیا - هنگ کنگ - سوئد - نروژ.

در حال توسعه: چین - برزیل - ترکیه - مجارستان - مکزیک - اندونزی - عربستان - آفریقای جنوبی - قطر - تایلند - مصر - ویتنام - عراق - کلمبیا - الجزایر - مالزی - شیلی - فیلیپین - قزاقستان - ایران.